

توالی و تبعات حقوقی سیاست تقنینی درجه بندی مجازات های تعزیری ۱۳۹۲

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضاییه

چکیده

تدوین سامانه درجه بندی مجازاتهای تعزیری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از خلاقیت های مقنن پس از انقلاب است. این سامانه به ۸ درجه تقسیم بندی شده است. بدین سان که درجه یک شدید ترین درجه تعزیری و درجه هشت خفیف ترین درجه مجازات های تعزیری است و هر درجه مشمول مجازاتهای متفاوتی است. تعبیه این سامانه موجب تحقق اصل قانونی بودن مجازات ها و قانونمندی فردی سازی کیفر با رویکرد منعطف و در عین حال منسجم به نحوی که سیاست جنایی تلفیقی عدالت مداری و انسان مداری شده است. نگارنده در این تحقیق صرفاً به مبانی و آثار حقوقی ناشی از این درجه بندی پرداخته و به سایر مراتب مربوط به این موضوع به دلیل جلوگیری از اطاله کلام خودداری شده است.

واژه های کلیدی: سیاست جنایی قضایی مشارکتی خاص، درجه بندی مجازاتها، حالت خطرناک

مقدمه

سامانه درجه بندی مجازاتهای تعریزی نقش موثری در تحقق قانونمندی صدور احکام و تحقق تناسب مجازات در راستای تفاوت گذاری بین مرتکبین به جهت اصل قانونی فردی سازی مجازات برای ایجاد نظم در رویه قضایی است. مقنن با روشی جدید با توجه به اختلاف نظرهایی که بین طبقه بندی مجازات در دو مقوله بازدارنده و تعریزی مقنن هر دو مقوله را تحت عنوان مجازات های تعریزی (ماده ۱۸ ق. م اسلامی) به طور واحد منجمم کرده است و به طور مطلق آن را تحت درجه بندی یکسان آورده شده است. گرچه بین تعزیرات شرعی منصوص و غیر منصوص تفاوت است و آثار حقوقی متفاوتی دارند اما درجه بندی مجازاتها از لحاظ ضعف و شدت یکسان است. در پرتو این درجه بندی مقنن بع اصل قانونی بودن مجازات و اصل فردی سازی مجازات و به طور ضمنی بع حالت خطرناک براساس قید سابقه محکومیت موثر و سایر ممیزها پرداخته است. بنابراین آنچه گفته شد مجازاتهای تعریزی در م ۱۹ ق. م اسلامی به ۸ درجه از شدت (درجه ۱) تا خفیف (درجه ۸) تقسیم شده است، که این درجه بندی دارای آثار حقوقی کیفری زدایی، قضا زادی می باشد. سیاست جنایی مورد نظر در این تحقیق اختصاص به درجه بندی مجازات های تعریزی و آثار حقوقی ناشی از آن بدون توجه به سابقه تاریخی و مراتب تعریف اصطلاحات و مفاهیم حین، با رویکرد به چرخه پس از انقلاب است.

گفتار اول: تعریف درجه بندی و مبانی درجه بندی مجازات های تعریزی ۱۳۹۲

مبحث اول - تعریف درجه بندی

با توجه به عدم سابقه قانونگذاری درجه بندی در حقوق کیفری معاصر و تبعاً جز نص ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعریفی ارائه نشده است. و صرفاً در باب طبقه بندی مجازات ها قلم افرسایی شده است. جهت تنویر مبانی نگارنده مقوله درجه بندی را این چنین تعریف می کند که عبارت است از گروه بندی طبقه ای از مجازات ها با انواعی از صنف اعم از جیس، جزای نقدی و.... در یک طبقه در سلسله مراتب درجات ۸ گانه با رعایت حداقل و حداکثر در نوع مجازات ها. درجه بندی مجازاتهای تعریزی بنا بر نص تبصره ۴ ماده ۱۹ ق. م اسلامی که مقرر است؛ مقررات این ماده و تبصره های آن تنها جهت تعیین درجه مجازات است و تاثیری در میزان حداقل و حداکثر مجازاتهای مقرر در قوانین جاری ندارد. ولی به نظر می رسد این تبصره مغایرت مبنایی با تبصره ۲ و ۳ ماده ۱۹ ق. م اسلامی ۱۳۹۲ می باشد بدین سان که این دو تبصره به صورت کلی، همه جرایم مربوط به قانون مجازات را به صورت زیرکانه به سمت یک عوام گرایی سیاست زده تدوین کرده است.

مبحث دوم: مبانی درجه بندی مجازات های تعریزی

ضمن اینکه برخی معتقدند قانونگذار در یک تقسیم بندی ابتکار که مبنای آن روشن نیست، تعزیرات مذکور را به هشت درجه طبقه بندی کرده است (ماده ۱۹ ق م اسلامی) و کاربرد بعضی از نهادهای کیفری مانند تعلیق مجازات، تخفیف، تعویق صدور حکم و... را در قلمرو این کیفرها مجاز دانسته است.^۲ ولی در عین حال بدون تحلیل مبانی نمی توان به آثار حقوقی ناشی از آن پرداخت. لذا ابتدا به مبانی و ثانیاً به آثار حقوقی آن خواهیم پرداخت.

۱ - حاجی ده آبادی، احمد، طبقه بندی مجازات ها در قانون مجازات اسلامی: جایگاه تعزیرات و مجازات های بازدارنده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۹، سال ۱۳۸۹، ص ۳۵-۹.

اردبیلی محمد علی حقوق جزای عمومی جلد سوم انتشارات میزان ۱۳۹۳ چاپ دوم صفحه ۶۶-۲

۱- تحقق اصل قانونی مجازات ها در جهت یکسان سازی

درجه بندی مجازات ها موجب انسجام اصل قانونی بودن مجازات ها در موارد تخفیف و تشدید مجازات ها با رویکرد واحد سازی نسبی تعیین و اعمال مجازات توسط قضات است، به نحوی که استنباط قضات در عین اعمال فردی سازی مجازات ها با رعایت اعمال قواعد درجه بندی موجب تحقق اصل قانونی بودن مجازات جهت تحقق برابری و تناسب نسبی شده است. بدین سان موجب جلوگیری از آراء متفاوت در عین تشابه شرایط ارتکاب جرم است. به طوری که اعمال نظر سلیقه های شخصی محدود شده است. ریاضی سازی اعمال فردی سازی مجازات اعم از تخفیف یا تشدید جهت اعمال حداقل یا حداکثر با احراز شرایط توسط قضات ثابت و محدود شده است. گرچه در برخی موارد بسته به این که شرایط محقق است یا خیر. استنباط قضات ملاک است، که مبنی بر دیدگاه قضایی است ممکن ناشی از نوع دیدگاه درباب کیفرها یا جلوه های متعدد آن است به عنوان مثال در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی قید تشخیص دادگاه در اصلاح در موارد عدم اجرای مجازات یا در ماده ۴۳ ق. م اسلامی قید شرایط زندگی و همچنین در م ۴۵ ق. م اسلامی قید میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورات از نمونه هایی است که مبتنی بر دیدگاه استنباطی مقام قضایی است و این وضع اصولاً به دلیل تفسیر مبانی علمی به دو جهت شرایط عینی و ذهنی تقریباً غیر قابل مهار است. به نظر می رسد که موجب تضعیف تحقق فردی سازی مجازات و تبعاً خلاف اصول تفسیر به نفع متهم است. به نحوی که مع الوصف در تحقق اصل فردی سازی مقنن به سمت اندیشه برابری دراصل قانونی بودن مجازات و اندیشه تناسب در موارد انطباق شرایط توسط قاضی برای تحقق فردی سازی مثلاً مقام قضایی بسته به شرایط مرتکب ممکن است طبق بند پ ماده ۳۸ ق. م اسلامی که مقرر است: تبدیل انفصال دائم به موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال، ممکن است که بر حسب تشخیص و شرایط ذهنی و عینی مقام قضایی زمانهای متفاوتی را تعیین نماید. در عین حال در بند الف که مقررات تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه قابل تخفیف است به عدالت و انصاف قضایی در جهت اصل قانونی بودن مجازات برای تحقق فردی سازی به عینیت نزدیکتر است. لذا با توجه به مطالب مارالذکر به طور مطلق نمی توان دفاعی کرد که اصل فردی سازی برای تعیین مجازات محقق شده است زیرا که از یک طرف استنباط متفاوت است و از سوی دیگر در برخی موارد بین حداقل و حداکثر تعیین در قانون تفاوت مطلق در قاعده است که تبعاً موجب عدم تحقق اهداف نهادهای مرتبط است در عین حال درجه بندی مجازات موجب جلوگیری از تشتت آراء در حد موسع است و همچنین جلوگیری از پراکندگی مجازات ها از اولویت های مقدم در مبانی آن می باشد.

۲- قانونمندی اصل فردی کردن کیفر:

در مورد زمان فردی سازی مجازات بین اندیشمندان نظریه های متفاوتی ابراز شده است که صرفاً اختصاص به مرحله تعیین است.^۱ و برخی^۲ وجود این اصل را محدود به هنگام دادرسی و مربوط به کیفیات اعمال مخففه به صورت اختیاری برای قضات می داند. و علاوه براین عده ای نیز با تعیین حداقل و حداکثر برای مجازات ها و اعطای اختیار برای انتخاب مجازات متناسب در محدوده یادشده؛ به هر دو مرحله تعیین و دادرسی توجه داشته است.^۳

۱- بکاریا، سزار، جرایم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۰۸

۲- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ایرند آبادی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۸۳.

۳- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ایرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۹۱، ص ۲۰.

حقوق کیفری ایران با توجه به شرایط تلفیقی از نظریه های فوق است. بدین سان که مقنن در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر است که... نوع، مقدار، کیفیت اجراء. مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می گردد. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی در حین ارتکاب جرم.

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره، نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن.

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و تاثیر تعزیر بروی

لذا مقنن ضمن توجه به تدوین اصل قانونی بودن جرم در تعزیرات به وضع فردی سازی تعزیرات در مصادیق متعدد اعم از تعلیق و..... توجه داشته است.

۳- تبیین حالت خطرناک

حالت خطرناک در جرم شناسی بالینی که جزء جرم شناسی کاربردی است دارای اعتبار مبنای است و از دیدگاه جرم شناسی اثبات گرا یکی از ارکان مسئولیت است. به نحوی که حالت خطرناک استعداد بالقوه فرد برای ارتکاب جرم است.^۱ بدین سان که از حالت خطرناک در این مکتب به صورت فردی است.^۲ از سوی دیگر کیفر شناسی نوین خطر یا ریسک و خطرناکی مفهوم اصلی کیفر شناسی نوین را تشکیل می دهد.^۳ به عبارت دیگر در جرم شناسی محقق خطرناکی نوعی آسیب اجتماعی یا بیماری است که با معاینه بزه کار و شناسایی آن قابل رفع و درمان است. در صورتی که خطرناکی در سیاست کیفر مدیریتی خطر مدار ارادی است، که افراد خطرناک، از نظر بزه کاری، بیمار و آسیب دیده نمی باشند. بلکه به نوعی از نظر اجتماعی مسئول عمل خود انگاشته می شوند و باید آنان را با هدف تامین امنیت در جامعه تحت کنترل و نظارت قرارداد.^۴ مع الوصف جرم و شدت آن ملاک تعیین مجازات نمی باشد. بلکه درجه خطرناکی مجرم معیار سنجش است.^۵

برخی از جمله فن لیست حالت خطرناک را ناظر به کسانی می دانند که دارای سابقه کیفری هستند.^۶ بدین سان سابقه کیفری وجه ممیز خطرناکی مرتکب جرم است که یک ملاک عینی است به طوری که در سابقه ارتکاب، خصیصه بالقوه خطرناکی اساس است. بدین معنی که از ملاک عینی به ملاک ذهنی (بالقوه) و درونی می رسیم.

در این راستا برخی هم حالتهای خطرناکی را بر اساس طبقه و نوع جرایم این چنین توصیف می کند که حقوق کیفری سنتی بر مفهوم بزه تکیه کند. در صورتی که سیاست جنایی امروزه که ما یل است خود را متفاوت قلمداد کند، بر طبقه بندی قدیمی جرائم به طبیعی (ذاتی) و مصنوعی (قراردادی) و حتی خیلی ساده تر، طبقه بندی جرائم به جرائم بزرگ و کوچک تکیه می

۱ - فرج اللهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، میزان، چاپ اول، ۸۹، ص ۳۶۷

۲ - پاک نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، تهران، میزان، چاپ اول، ۸۸، ص ۱۵۵

۳ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، کیفر شناسی نو، جرم شناسی نو؛ در آمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار، در تازه های علوم جنایی،

(مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ اول، ۸۸، ص ۷۲۷

۴ - همان، ص ۷۲۵-۷۲۴

۵ - فرج اللهی، رضا، پیشین، ص ۱۳۹

۶ - به نقل از فرج اللهی، رضا، پیشین، ص ۱۲۵

کند که هر یک از اینها الزاماً واکنش‌های کیفری متفاوت تاکید می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد با توجه به مراتب ذیل مقنن حقوق کیفری به حالت خطرناک وجهه قانونی داده است:

۱- تفکیک و طبقه‌بندی از هم بدین سان که درجه‌های ۸-۳ در ماده ۴۶ ق.م.اسلامی اگر با فقدان سابقه موثر باشد و سایر شرایط هم موجود باشد بنابراین اصل فردی سازی حقوق کیفری با اختیار مقام قضائی در عین رعایت اصل قانونی بودن دادرسی کیفری (یعنی احراز مراتب شرایط) تعلیق مجازات ممکن است و در غیر این صورت اگر مرتکب دارای سابقه کیفری موثر باشد و حتی اگر سایر شرایط موجود باشد. تعلیق به اجرای مجازات غیر ممکن است. علاوه بر آن استثناء کردن برخی جرایم در ماده ۴۷ ق.م.اسلامی حتی اگر شرایط تعلیق فراهم باشد امکان استفاده از ارفاق تعلیق برخوردار نمی‌باشد. لذا با تفکیک مقنن درجه‌های ۱-۲ از درجه‌های ۸-۳ و تفکیک نوع دائم در ماده ۴۷ از ماده ۴۶ با وجه سابقه محکومیت کیفری موثر تاکید شده است بدین سان که حتی سابقه نوع جرم هم می‌تواند ملاک باشد ضمن اینکه با توجه به قید صدر ماده ۴۷ ق.م.اسلامی با عبارت صدور حکم و اجرای آن تاکید بر محکومیت موثر دائم تاکید می‌کند اما در ماده ۴۶ اگر محکوم به محکومیت موثر طبق م ۲۵ مشمول اعاده حیثیت یا مشمول مرورزمان اجرای احکام کیفری شود مرتکب می‌تواند از تعلیق اجرای مجازات استفاده کند. و حتی می‌توان معتقد شد که مقنن با تاکید برخی جرایم اقتصادی، مواد مخدر و جرایم علیه امنیت ذکر شده در ماده ۱۰۹ ق.م.اسلامی به دنبال این بوده است که محکومیت موثر را به طور دائم مشمول این جرایم بداند زیرا که از راهبردهای رفع محکومیت کیفری موثر اعاده حیثیت طبق م ۲۵ ق.م.اسلامی یافته پس از اجرای حکم یا مشمول مرور زمان در مدت زمان مقرر (۲-۳-۷) در این ماده ذکر شده است لذا سه جرم ذکر شده در م ۱۰۹ ق.م.اسلامی مستثنی از مدت مقرر در م ۲۵ ق.م.اسلامی شده است و به طور دائم دارای سابقه موثر می‌باشد. همچنین مقنن در ماده ۲۶ ق.م.اسلامی خطرناکی را بر اساس نوع حقوق اجتماعی تعریف می‌کند بدین عبارت که در تبصره ۲ ماده ذکر شده که..... بندهای الف - ب - پ این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می‌شود. لذا مقنن با این توصیف به دنبال تبیین وجود حالت خطرناک برای برخی از افراد در برخی مشاغل شده است.

۲- مقنن در برخی مراتب با آوردن وجه ممیزه‌های مثل اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم در ماده ۲۴ و در ماده ۳۹ قید اصلاح با عدم اجرای مجازات بر مرتکب یا قید حسن سابقه در ماده ۳۷ ق.م.ا و بند ب م ۵۸ که مقررات حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود و..... همه مراتب فوق حکایت وجه خصوصیات داشتن یا نداشتن حالت خطرناک است که منوط به تشخیص احراز کننده است.

مع الوصف حقوق کیفری ایران با استفاده از ملاکهای سابقه محکومیت موثر در برخی درجه‌ها، ارتکاب جرم در مدت تعلیق و تعویق، محرومیت از حقوق اجتماعی دائم دارا بودن نوع جرم خاص و..... از موارد تقسیم بندی و مشخص کننده حالت خطرناک است که به آن صورت قانونی داده شده است.

گفتار دوم: آثار حقوقی ناشی از درجه بندی مجازاتهای تعریزی

پاسخ‌ها در سیاست جنایی تحت عنوان پاسخ پیشگیرانه است که بدلیل تنوع به پاسخهای واکنشی و کنش بخش می‌شوند پاسخ واکنشی به معنای سیاست کیفری است که مفهوم مضیق سیاست جنایی است که پاسخ کنشی در آن جایگاه ندارد و

^۱ - آنسل مارک بیشین صفحه ۶۴

پاسخ کنشی به معنای پاسخ های پیشگیرانه غیر کیفری است، که برای جلوگیری از بزهکاری در بیرون از نظام کیفری به کار می رود. در این پاسخ در مفهوم سیاست جنایی ریشه دارد.^۱

در این مبحث به دو مقوله واکنشی ویژه پسروده کیفر زدایی و قضا زدایی به صورت مختصر می پردازیم.

۱- پیش گیری واکنشی ویژه پسروده کیفر زدایی:

کیفرزدایی را تعریف کرده اند که عبارت است از جرم زدایی ناقص، در این حالت یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر می گردد ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می گردد.^۲

گونه ای از ابزارهای سیاست جنایی است که تخفیف کیفر تا حذف آن یا پیشنهاد تناوب میان کیفر و یک اقدام غیر کیفری در قبال پدیده مجرمانه را شامل می شود و بدین سان کیفر زدایی را می توان شامل شکلها، جرح و تعدیل در درون نظام کیفری در جهت تخفیف یا حذف مجازات دانست.^۳ تعلیق مجازات در جهت تخفیف مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تخفیف مجازات (م ۳۷ ق. م. اسلامی ۹۲) و..... از جمله موارد کیفر زدایی است.

۲- پیشگیری کنش ویژه^۴ پسروده کیفر زدایی مشارکتی خاص (خود کنترلی)

مقنن جهت تحقق پیشگیری از جرم و مهار اندیشه خطرناک مرتکب تدابیر و دستوراتی را جهت انجام به عنوان تکلیف به مرتکب تفهیم می کند. که در صورتی مراتب دستورات رعایت نشود، و فرد مرتکب جرم شود دورانی شدن حقوق کیفری خلق می شود.^۵ لذا خویشتن داری و تقوای یک شهروند باورمند به اصول و مبانی اسلام است که او را از تخلف از ادامه و نواهی شارع، که در فرهنگ دینی معصیت، اثم و ظلم و... به شمار می رود، باز می دارد..... اعمال عبادی مانند نماز و روزه که در واقع تمرینهای عملی و تظاهرات بدنی عبودیت و طاعتند. نقش بازدارندگی از ارتکاب منهیات را ایفاء و تقوی و خویشتنداری از وقوع در تمرینات را ایجاد و تقویت می کند. که پیروی یا انحراف از هنجارهای شرعی عبارتند از ثواب و عقاب اخروی است، و لذا محاکمه در آخرت بسیار فراگیر خواهد بود و کوچک و بزرگ اعمال را شامل می شود..... بی تردید این تلفیق ترس و امید (خوف و رجا) و تهدید و تشویق اثر تصحیحی خود را بر رفتارهای باورمندان و مومنان در جامعه اسلامی برجای می نهد و موجب پیدایش و تقویت خود کنترلی رفتاری (تقوی - ورع) در آنان می شود.^۶

در مقوله کنش ویژه پس رونده کیفر زدایی مشارکت متهم نهفته است و وظیفه متهم صرفاً انجام امورات غیر کیفری است که خاصه متهم باید از تقوای درونی خود مدد بگیرد و دستورات را به نحو دقیق و صحیح انجام دهد. اگر نه اگر متهم نخواهد انجام

^۱ - رایحیان اصلی، مهرداد؛ رهیافتی نو به بینانهای نظری پیش گیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸، سال ۱۳۸۳، ص ۱۲۸-۱۲۷

^۲ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۷۷.

^۳ - رایحیان اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، سال ۱۳۸۱، ص ۹۹

^۴ - نگارنده معتقد است که مقوله کنش هم مربوط به قبل از جرم است و هم بعد از جرم را شامل می شود، وهر آنچه که مربوط به قلمرو غیر کیفری باشد اگر چه بعد از اثبات جرم باشد جزء مقوله کنش می باشد که نگارنده آنچه را بعد از اثبات جرم باشد و با مشارکت جامعه محلی باشد آراء سیاست جنایی مشارکتی عام می نامد و اگر با مشارکت متهم باشد سیاست جنایی خاص است و هر دو تحت قلمرو کنش ویژه قرار می گیرد.

^۵ - بوستانی، باقر، جایگاه و تاثیر ره یافت های مکاتب جرم شناسی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد ف دانشگاه آزاد واحد بوشهر، ۱۳۹۱.

^۶ - حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت و دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، صص ۱۷۲-۱۷۱

دهد عموم هیچ تاثیری بر انجام آن ندارند زیرا که مهار خطرناکی در اندیشه مرتکب است که مرتکب باید اراده خود را در جهت امورات مثبت انجام دهد.

مقنن در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در مورد تعویق مراقبتی مقرر می کند:..... دادگاه صادر کننده قرار می تواند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرفه ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل موثر در آن و....

به نظر می رسد که دستورات تدوینی در ماده ۴۳ هم رویکرد اصلاحی دارد و هم رویکرد نظارتی دارد.^۱

و همچنین علاوه بر دستورات مقنن در ماده ۴۴ ق. م. اسلامی ۹۲ ارتكاب جرم توسط مرتکب را دارای ضمانت اجرا دانسته است.

مراتب فوق حاکی از تقوای درونی و اصلاح است اگر نه تخلف از دستورات و ارتكاب جرم نقض رویکرد اصلاحی و نظارتی است که موجب تحقق ضمانت اجراء است.

۳- پیشگیری واکنشی ویژه پس رونده قضا زدایی

قضا زدایی یعنی مکانیزمی که در جهت محدود نمودن صلاحیت نهادهای دستگاه قضایی به نفع سایر نهادها و روش های رسیدگی اعمال می شود. عنوان مجرمانه زوده می شود و به جای آن نوعی مداخله و اقدام اجتماعی جایگزین می گردد.^۲ بدین سان این نهاد دارای مصادیقی از جمله تعلیق تعقیب، و ارجاع به میانجیگری (در درجه های ۸-۷-۶) و تعویق صدور حکم (درجه ۸-۶) می باشد.

نتیجه گیری:

با توجه به اینکه مقام قضایی و مقنن در جایگاه متفاوتی می باشند و از دو منظر متفاوت به قضایا نگاه می کنند. یکی به گذشته و یکی به آینده نظر می افکند. توجه عمل قاضی بماهو قاضی به دیدگاه سزا دهنده نزدیک است در حالی که توجه عمل مقنن بماهو قانونگذار به دیدگاه سودمندی^۳، اما بدیهی است این عقب نشینی هرگز به معنای شکست و تسلیم نظام کیفری در مبارزه باید مجرمانه نبوده و نیست، بلکه هدف سبک کردن این نظام (کیفری)^۴ و توزیع آن میان نظام های حقوقی

^۱ - پاک نهاد، امیر، پیشین، ص ۲۲۲

رایجیان اصلی مهرداد پیشین صفحه ۱۰۹ 20-

^۲ - رالز، جان، دو مفهوم از قواعد، ترجمه محمد علی اردبیلی، نجفی ابرند آبادی، علی حسین (زیر نظر در تازه های علوم جنایی). (مجموعه مقالات)

پیشین، ص ۸۴۷.

^۴ - تاکید از نگارنده است.

دیگر همچون حقوق مدنی، اداری و... در دنبال می کند لذا با بهره گیری از سازوکارهای چون کیفر زدایی و... می توان از گسترش غیر ضروری حقوق کیفری و بروز پدیده تورم جلو گیری کرد.^۱

در حقوق کیفری ایران در موضوع مقوله سیاست درجه بندی مجازات های تعزیری و آثار حقوقی ناشی از آن رویکردهای جرم شناسی اعم از جرم مداری بزه دیده مداری و مجرم مداری به صورت تلفیقی به توازن چه به صورت شرایط فردی و انفرادی، چه شرایط اجتماعی به توازن واقع شده است. ولیکن آنچه موجب تحقق اندیشه های مذکور است، تا بتوانیم به تناسب بین این اندیشه ها تا رسیدن به چند قلوهای سیاست جنایی (کیفر زدایی - جرم زدایی - قضا زدایی) دست یافت؛ یکی استنباط صحیح قضا و ثانیاً همکاری و مشارکت بزه دیده و مشارکت مجرم در ضابطه خود کنترلی و سیاست جنایی مشارکتی عام است. بدون بیان آشکار است که نحوه استنباط قضا از جایگاه اصلی فردی سازی مجازات و وجهه مثبت تحقق چند قلو ها را برجسته تر می کند. لذا عدم همگرایی بین استنباط مقام قضایی برای تحقق فردی سازی مجازات و عدم همکاری اجرای دستورات توسط مرتکب و همچنین استنباط غیر علمی و سطحی شرایط عینی (مثلاً عدم توجه به سابقه محکومیت موثر) و شرط ذهنی (عدم ارتکاب جرم در آینده) موجب واگرایی مبسوط و اصلاح و درمان در حقوق کیفری می شود که نتیجه آن چیزی جزاء درونی شدن حقوق کیفری به چرخه دستگاه قضا نمی باشد.

منابع و مأخذ:

۱. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۹۱.
۲. اردبیلی محمد علی حقوق جزای عمومی جلد سوم انتشارات میزان ۱۳۹۳ چاپ دوم.
۳. بکاربا، سزار، جرایم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۴. بوستانی، باقر، جایگاه و تاثیر ره یافت های مکاتب جرم شناسی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد ف دانشگاه آزاد واحد بوشهر، ۱۳۹۱.
۵. پاک نهاد، امیر، سیاست جنایی ریسک مدار، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۷. حاجی ده آبادی، احمد، طبقه بندی مجازات ها در قانون مجازات اسلامی: جایگاه تعزیرات و مجازات های بازدارنده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۹، سال ۱۳۸۹، ص ۳۵-۹.

^۱ - رایحیان اصلی، مهرداد، پیشین، ۱۴۶

۸. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت و دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۹. رالز، جان، دو مفهوم از قواعد، ترجمه محمد علی اردبیلی، نجفی ابرند آبادی، علی حسین (زیر نظر در تازه های علوم جنایی. (مجموعه مقالات).
۱۰. رایحیان اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، سال ۱۳۸۱.
۱۱. رایحیان اصلی، مهرداد؛ رهیافتی نو به بینانهای نظری پیش گیری از جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸، سال ۱۳۸۳.
۱۲. فرج اللهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، تهران، انتشارات شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، کیفر شناسی نو، جرم شناسی نو؛ در آمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطر مدار، در تازه های علوم جنایی، (مجموعه مقالات)، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.